

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

صمد زابلی

۰۹ دسمبر ۲۰۱۲

سلسله ای از آموختنی های من *

به مناسبت مرگ لنین

استالین

حزب کمونیست: کمونیست ها مردم خاصی هستند. کسانی هستند که تاب مشکلات، مصائب و سختی ها را دارند. آنان در طوفان ها و خیزش ها مستحکم می باشند و آبدیده می گردند. کمونیست ها در حزب انقلابی کار می کنند. این حزب محل فرزندان صدیق طبقه کارگر است. محل مبارزه است و محل قهرمانی ها برای نجات مردم. از همین خاطر حزب کمونیست را حزب طبقه کارگر نیز می خوانند.

عضویت در حزب کمونیست: لنین سردار لشکر عظیم کمونیست ها بود. او استادی بود که برای رهائی طبقه کارگر می رزمید. حزب او حزب طبقه کارگر بود. او رهبر کارگران بود. و همینجاست که باید گفت هیچ افتخاری بالاتر از این نیست که عضو حزب کمونیست باشیم، حزبی که برای کارگران می رزمند و مدافع سایر زحمتکشان است. ما باید نام بزرگ عضویت در حزب کمونیست را بلند و پاک نگاه کنیم و با عضویت خود در حزب کمونیست افتخار کنیم.

وحدت در حزب کمونیست: حزب کمونیست وقتی می تواند بر تمام مشکلات غلبه کند که وحدت و هم پیوستگی داشته باشد. حزب کمونیست با یگانگی، وحدت و هم پیوستگی است که بر دشمنان طبقاتی پرولتاریا غالب می شود. این وحدت به سادگی به دست نمی آید، بلکه در نبردهای شدید به دست می آید. در مبارزه علیه دشمن و عناصر غیر انقلابی به دست می آید.

اگر می خواهیم بر دشمن طبقاتی خود پیروز شویم، اگر می خواهیم پرولتاریا را به قدرت برسانیم، باید یگانگی و وحدت حزب را مانند مردمک چشم حفظ کنیم.

دیکتاتوری پرولتاریا (کارگران): حزب کمونیست برای دیکتاتوری پرولتاریا می رزمند. کارگران همیشه زندگی تلخ و دردناک داشته اند. رنجبران در جریان قرن ها بارها تلاش کرده اند تا از ستم و ستمگری و درد و رنج نجات پیدا کنند. اما هر باری که تلاش کرده اند، ناکام شده اند؛ زیرا به جای زنجیرهای اسارت کهنه، زنجیرهای اسارت جدید زندگی را بر آنان دوزخ ساخته و زندگی شان بیش از پیش طاقت فرسا شده است.

لنین و حزب کمونیست او، برای اولین بار در تاریخ جهان کارگران و سایر رنجبران را رهبری کرد تا زنجیرهای اسارت ملاکان و سرمایه داران را از شانه های خود به دور بیندازند. کارگران و دهقانان در اتحاد با یکدیگر سلطنت ملاکان و سرمایه داران را سرنگون ساختند و بر جای آن سیادت و سلطنت خود را حاکم کردند.

لنین نشان داد که حاکمیت کارگران و رنجبران را می توان با نیروی خود رنجبران و زحمتکشان به وجود آورد. او در دل کارگران و دهقانان تمام جهان آتش امید و نجات و آزادی را شعله ورساخت. کارگران و دهقانان قدرت را به دست گرفتند و نام آن را دیکتاتوری پرولتاریا گذاشتند.

اگر می خواهیم که کارگران و سایر رنجبران برای همیشه از زنجیرهای اسارت رها و در آزادی زندگی کنند، باید از دیکتاتوری پرولتاریا حفاظت کنیم و به استحکام بیشتر آن بپردازیم.

اتحاد کارگران و دهقانان: چنانچه گفتیم کارگران و دهقانان یکجا حاکمیت و سیادت ملاکان و سرمایه داران را سرنگون ساختند و دیکتاتوری پرولتاریا را به وجود آوردند. یعنی دیکتاتوری پرولتاریا در نتیجه اتحاد کارگران و دهقانان به وجود آمد. زیرا بدون حمایت دهقانان، کارگران نمی توانستند سرمایه داران را نابود کنند و دهقانان بدون حمایت کارگران نمی توانستند ملاکان را نابود کنند.

اتحاد دهقانان و کارگران که در ابتداء اتحاد نظامی است، باید به مرور زمان به اتحاد همکاری اقتصادی بین شهر و ده، بین کارگران و دهقانان تبدیل شود.

اتحاد کارگران و دهقانان اولین پایه جمهوری شوراهای است، جمهوری که به وسیله دیکتاتوری پرولتاریا رهبری می شود. اگر ما خود را پیرو لنین می دانیم و باور داریم که با اتحاد کارگران و دهقانان می توان ملاکان و سرمایه داران را سرنگون ساخت و جمهوری شوراهای را ایجاد کرد، باید با تمام قوا در راه استحکام اتحاد میان کارگران و دهقانان تلاش کنیم.

اتحاد زحمتکشان تمام ملیت ها: زحمتکشان تمام ملیت ها (اگر از افغانستان خود ما مثل بیاوریم، زحمتکشان پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره، ترکمن، بلوچ، پشه ای، نورستانی، قرقیزی، پامیری، گوجر، کوهستانی، جوگی و...) از طرف ملاکان و سرمایه داران به طور یکسان استثمار می شوند. دیکتاتوری پرولتاریا، تنها نوع دیکتاتوری است که آنان را نجات می دهد و از زنجیر ظلم و ستم خلاص می کند. پس این همه ملیت ها، طرفدار ذاتی دیکتاتوری کارگران می باشند و علیه ستم و ظلم و تعدی ملاکان و سرمایه داران.

از اینرو برای این که این ملیت های زحمتکش از ستم و حاکمیت ملاکان و سرمایه داران نجات پیدا کنند، ما باید در راه استحکام اتحاد میان تمام زحمتکشان تلاش کنیم. با اتحاد تمام زحمتکشان مربوط تمام ملیت هاست که ما می توانیم جمهوری شوراهای، جمهوری مربوط به کارگران و سایر زحمتکشان به وجود بیاوریم.

ارتش سرخ: سرمایه داران تا که موجود باشند، برای رسیدن به قدرت از هیچ نوع تلاش و ستم دریغ نمی ورزند. کشورهای سرمایه داری تلاش می کنند تا حزب کمونیست، دیکتاتوری کارگران، اتحاد میان کارگران و دهقانان، اتحاد زحمتکشان تمام ملیت ها و ارتش سرخ را از بین ببرند و به جای آن دیکتاتوری سرمایه داران را جانشین بسازند. لذا برای این که دیکتاتوری پرولتاریا که بر اساس اتحاد میان کارگران و دهقانان و اتحاد زحمتکشان تمام ملیت ها به وجود می آید، استحکام پیدا کند، تقویت شود و حفاظت گردد ما باید ارتش سرخ داشته باشیم و برای استحکام و تقویت آن از هیچ نوع تلاش دریغ نورزیم.

انترناسیونالیزم کارگری: کارگران و دهقانان تمام جهان زیر ستم و اسارت قرار دارند و لنین همیشه می گفت که باید دیکتاتوری پرولتاریا در کشور شوراهای، تمام کارگران و دهقانان جهان را در راه رهائی و نجات از ستم ملاکان

و سرمایه داران یاری برساند و در تسهیل مبارزه آنان بر سرمایه داران از هیچ نوع کوشش دریغ نرزد. همین است که کارگران و دهقانان و سایر رنجبران کشور شوراها با کارگران و دهقانان و سایر رنجبران جهان حس همدردی و کمک رسانی داشتند و در مقابل کارگران و دهقانان و سایر رنجبران به کشور شوراها به حیث دوست نزدیک خود می دیدند که در قلب آنان آتش رهایی از ستم و استثمار را روشن می ساخت. نتیجه این برخورد دو طرفه انترناسیونالیزم پرولتری (کارگری) است، از همین رو است که کمونیست ها شعار می دهند کارگران سراسر جهان متحد شوید. زیرا نیروی زحمتکشان جهان در همین اتحاد آنان است و ضعف سرمایه داری جهان نیز در همین است.

پس برای این که به اتحاد تمام کارگران سراسر جهان برسیم، باید انترناسیونالیزم کارگری را تقویت و استحکام ببخشیم و از آن با قاطعیت تمام دفاع کنیم.

سؤالات:

۱. چرا طبقه کارگر، انقلابی ترین طبقه به شمار می رود؟
۲. چرا حزب کمونیست، حزب طبقه کارگر نامیده می شود؟
۳. وحدت و پیوستگی در حزب کمونیست چگونه تأمین می شود؟
۴. سه پایه اساسی دیکتاتوری پرولتاریا، چیست؟
۵. چرا کارگران، دهقانان را از متحدین اصلی خود انتخاب می کنند؟
۶. «ستمگری ملی ملیت ها»، یا اتحاد زحمتکشان تمام ملیت ها، کدام یک انقلابی است؟
۷. در حالی که استالین می نویسد که «سلطنت کار را می توان با نیروی خود رنجبران به وجود آورد»، چرا عده ای حتی رهایی توده های ما را از چنگال بنیادگرایی از امپریالیست های اشغالگر می خواهند؟

* تصمیم گرفته ام تا با خواندن یادداشت ها، مقالات و نوشته های پیشرو، آموختنی هایم را به شکل کوتاه و در صورت امکان ساده تر بنویسم. در عین زمان، در وقت یادداشت، سؤالاتی را نیز با آن همراه خواهم ساخت، شریک کردن آن با خوانندگان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و "زابل کتابتون" خالی از سود نخواهد بود.